

واپسین روزهای تاریخ در آیه ۵۵ سوره نور از دیدگاه مفسران

رضا مهدیان فر*

چکیده

خدای سبحان در آیه ۵۵ نور به مؤمنان وعده داده است که آنان را جانشینان در سراسر زمین قرار خواهد داد و دین مورد پسندش را برای آنان تمکین کرده و ترس‌شان را به امنیت و آرامش تبدیل خواهد نمود. مؤمنان شایسته‌کردار، جامعه یکتاپرست و عاری از شرک را تشکیل خواهند داد. مفسران شیعه در تفسیر وعده مزبور دارای دو دیدگاه هستند؛ یکی انحصار تحقق وعده به عصر ظهور و پایان تاریخ و دیگری تحقق وعده با مصادیق متعدد از عصر نزول تا عصر ظهور. اندک اختلاف دیدگاه مفسران شیعه در تعیین مصداق آیه با روشن شدن معنای استخلاف قابل رفع بوده و آنان را به دیدگاه یکسان و انحصار تحقق وعده در عصر ظهور می‌رساند. مفسران اهل سنت به‌رغم داشتن دیدگاه‌های مختلف؛ برخی با تصریح و شماری با تلویح به تحقق وعده در عصر ظهور اشاره کرده‌اند، از این رو برابر دیدگاه مفسران فریقین، آیه مزبور جامعه ویژه‌ای را برای مؤمنان در واپسین روزهای تاریخ وعده می‌دهد که با ظهور مهدی موعود محقق خواهد شد.

واژگان کلیدی

آیات مهدویت، آیه ۵۵ نور، آینده بشریت، جامعه مهدوی.

rezamahtab52@yahoo.com
تاریخ پذیرش: ۹۵/۸/۲۰

*. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۱۸

طرح مسئله

پرسش از فرجام و پایان سیر و سفر دراز انسان در عرصه زمین و گستره تاریخ، پرسابقه، پیشینه‌دار و ذاتی وجود بشر است؛ به همان سان که انسان از مبدأ می‌پرسد، از مقصد و پایان نیز پرسش می‌کند. ادیان آسمانی و نحله‌های فکری هر کدام به نوعی پاسخ‌گوی این پرسش ناگزیر بوده‌اند، چنان‌که هر یک نیز تصویری از آینده را برای پیروان خود ترسیم نموده و ویژگی‌ها آن را برشمرده‌اند تا از این رهگذر روح بی‌قرار او را به ساحل امن و آرامش رهنمون شوند. پایان تاریخ به مفهوم فرجام سرنوشت زندگی انسان در کره خاکی همواره ذهن و زبان انسان‌ها را به خود مشغول داشته و گاه با نگرانی و دلواپسی مطرح می‌شود. رخدادهای گوناگون در سده‌های اخیر به‌ویژه در دهه‌های پایانی قرن بیستم، ذهن اندیشمندان جهان به‌ویژه اندیشمندان غربی را بیش از پیش به سمت و سوی گفتگو از پایان تاریخ سوق داده است. از نگاه اندیشمندان غربی نظام لیبرال دموکراسی به‌معنای ظهور کامل‌ترین و آخرین دستاورد فرهنگی و مدنی بوده و پایان تاریخ را نوید می‌دهد ولی در برابر، از نگاه آموزه‌های وحی، پایان تاریخ به مفهوم پایان عصر سیاه و سلطه زورمداران و مستکبران و قدرت یافتن مستضعفان و صالحان در سراسر گیتی است و سرانجام جامعه‌ای ویژه با امنیتی کامل و سرشار از نعمت‌های مادی و معنوی به دست صالحان در پهنه کره خاکی ایجاد خواهد شد.

هگل و مارکس و در دهه‌های اخیر فوکویاما و امثال او از پایان تاریخ و نهایت تکامل و پیشرفت تاریخ داد سخن داده‌اند اما این تلاش‌ها جز کوششی مذبوحانه که به مدد رسانه‌های جمعی، برتری تکنولوژیک و هوچی‌گری سیاسی و درصدد سلطه دادن لیبرالیسم سرمایه‌داری، تفسیر دیگری ندارد.

از این‌رو پژوهشگران غربی، پست مدرنیسم (پسامدرن)، عصر بعد از مدرنیته را موضوع پژوهش‌های خود قرار داده خبر از موج سوم می‌دهند که خود گواه و نشان از پایان لیبرال دموکراسی غرب است.

تجربه همگانی این پایان از آخرین دهه‌های قرن بیستم، زمزمه گفتگو از آخرالزمان و قریب‌الوقوع بودن فصل ظهور منجی موعود را در میان عموم مردم شایع ساخت؛ زیرا دیگر هیچ ایدئولوژی و نظام اجتماعی، سیاسی‌ای قادر به پاسخ‌گویی به نیاز ناگزیر انسان و حمایت از او برای دستیابی به حداقل بهره‌مندی از آرامش جان، عدالت و آزادی به‌معنای حقیقت لفظ نبود. (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰: ۹۷ - ۹۶؛ کاظمی، ۱۳۷۹: ۵۱ - ۳۸؛ دوبنوا، ۱۳۷۰)

پایان تاریخ (آخرالزمان) از نگاه آیین‌های بزرگ جهانی به‌ویژه دین اسلام پایانی تسلی‌بخش و امیدوارکننده است که با ظهور مصلح بزرگ جهانی و با حضور صالحان - پس از تجربه تلخ ستم‌ها و فسادها - به وقوع خواهد پیوست. آموزه‌های آسمانی قرآن ناظر بر پاسخ حقیقی به پرسش انسان است. پرسش از حقیقت هستی، راز هستی و بالاخره سرانجام سرنوشت او در هستی، از این‌رو پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با استنباط از آیات سراسر نور قرآن به‌دنبال پاسخ دادن به این پرسش است که از نگاه

آیات وحی، پایان تاریخ چگونه ترسیم یافته و از چه ویژگی‌های ممتازی برخوردار است. تلاش‌های ارزنده‌ای از سوی پژوهشگران عرصه تاریخ، درباره موضوع نوشتار به حوزه پژوهش راه یافته است اما بررسی دیدگاه قرآن و به‌ویژه با رویکردی تطبیقی از نگاه مفسران فریقین، پژوهش حاضر را از سایر پژوهش‌ها ممتاز ساخته است. طرح دیدگاه قرآن در عصری که استعمار غرب به مدد رسانه‌های جمعی و تکنولوژی برتر در اندیشه حذف فرهنگ‌ها و به‌ویژه فرهنگ‌های دارای اصالت به مانند فرهنگ اسلامی و سلطه دادن فرهنگ منحط لیبرال دموکراسی است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و دمیدن روح امید به جامعه بشری از نتایج این پژوهش است.

خدای متعال در سوره نور می‌فرماید:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ. (نور / ۵۵)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و [کارهای] شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد، همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین کرد؛ و مسلماً، دینشان را که برای آنان پسندیده است، به نفعشان مستقر خواهد کرد؛ و البته بعد از ترسشان [وضعیت] آنان را به آرامش مبدل می‌کند، درحالی‌که مرا می‌پرستند [و] هیچ چیز را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که بعد از آن کفر ورزند، پس فقط آنان نافرمان‌اند..

در این آیه خدای سبحان وعده حکومت و جامعه‌ای ویژه به مؤمنان و صالحان را داده و از سوی مفسران، به جامعه صالحان در پایان تاریخ تفسیر شده است.

الف) مفهوم‌شناسی

یک. وعده

این واژه در اصل، تعهد بر کاری است و این تعهد می‌تواند در کار خیر یا کار شر باشد که با قرینه مشخص می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۷۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۳ / ۱۴۳) از کاربردهای قرآنی این واژه به‌دست می‌آید که تعهد به انجام کاری در آینده را وعده می‌گویند (ر.ک: اسراء / ۱۰۸؛ هود / ۶۵) بیشترین کاربرد این واژه در خیر است.

وعده الهی به مؤمنان در این آیه شریفه به‌دنبال امر به اطاعت از خدا و رسول در آیه قبلی نشان از سختی فرمانبرداری از خدا و رسول دارد، از این‌رو فرمان بردن از رهبر و حاکم زمانی محقق می‌شود که

به‌دنبالش هدف مشخصی باشد، در این صورت افراد جامعه ایمانی برای رسیدن به جانشینی در زمین سعی در ذوب شدن در شخصیت رهبر داشته و از انانیت خود دست برمی‌دارند. این دست برداری از انانیت سبب یکسان‌سازی شخصیت آنان شده و سرانجام عموم مؤمنان به همان شخصیت رهبر معصوم آراسته می‌شوند (مدرسی، ۱۴۱۹: ۸ / ۳۴۸ - ۳۴۷) بنابراین بشارت به خلافت فراگیر با تعبیر وعده نور امید را در دل‌ها شعله‌ور ساخته افراد را در جهت خودسازی و هم بستگی در جامعه کمک می‌کند. همچنین می‌توان گفت: وعده برای امری است که در آینده مجال ظهور می‌یابد. براین اساس وعده الهی در آیه یادشده در زمانی غیر از عصر رسول خدا ﷺ و اصحاب وی محقق خواهد شد. (رازی، ۱۴۰۴: ۱۴ / ۱۷۰)

دو. استخلاف

این واژه از ریشه «خلف» به‌معنای چیزی است که از نظر زمان، مکان یا کیفیت، پشت سر و دنبال چیزی بیاید. از جمله مصدرهای مشتقات این واژه، «خلافت» به‌معنای «جانشینی از غیر» است. این جانشینی به‌دلیل غائب بودن منوب، عنه، مرگ وی یا شرافت جانشین است که خلافت اولیای الهی [در روی زمین] از همین باب است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۹۴؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳ / ۱۱۰) کاربردهای قرآنی این واژه نیز در همین راستا قابل معنا هستند. یادآور می‌شویم افزون بر این دلایل در جانشینی نایب، با نظر به آیه فوق به منت الهی نیز می‌توان در زمره این دلایل اشاره کرد.

درک ماهیت استخلاف با موضوع آیه مورد بحث ارتباط مستقیم دارد؛ از این رو باید در تعبیر استخلاف در قرآن درنگ کرد تا ماهیت آن را از نگاه قرآن باز شناخت. بدین منظور شاید بتوان استخلاف در آیات قرآن را به سه نوع تقسیم کرد. (ر.ک: نجارزادگان، ۱۳۸۹: ۹۰ - ۸۵):

نوع اول: استخلاف طبیعی، به‌معنای مطلق جایگزینی است که در آن خدا برای اهل زمین مقرر کرده نسلی پس از نسل دیگر جایگزین آنان شوند و به‌طور طبیعی مالک دارایی‌های گذشتگان گردند. (ر.ک: فاطر / ۳۹؛ انعام / ۱۶۵ و ...) و این استخلاف سنتی از سنت‌های خدا است.

نوع دوم: استخلاف به‌معنای وراثت از پیشینیان است که خدا، قومی را که عناد ورزیده و نعمت‌های خدا را ناسپاسی می‌کنند به هلاکت رسانده و قومی دیگر را وارث سرزمین آنان می‌گرداند. در این نوع، قوم سلف دچار ظلم و فساد و تباهی‌اند و قوم خلف و جانشین در استضعاف و ناامنی به سر برده‌اند، چنان‌که ایمان به خدا و یکتاپرستی از ویژگی‌های آنان می‌باشد و پس از جانشینی از اقتدار و تمکین برخوردار می‌شوند. قرآن، این مهم را در مورد قوم نوح و بنی‌اسرائیل روایت می‌کند. (ر.ک: اعراف / ۱۲۹ - ۱۲۸ و ۱۳۷؛ یونس / ۷۳)

این نوع از استخلاف نیز مانند نوع اول سنتی از سنت‌های پرودگار است که خدا پس از آزمودن مؤمنان و احراز شایستگی آنان، به آنان مقام استخلاف و وراثت زمین و اقتدار و امنیت می‌بخشد. نباید فراموش کرد

این سنت الهی در مورد همگان ساری و جاری است، از این رو خدا به وارثان نیز هشدار می‌دهد تا مواظب اعمال خود باشند، (ر.ک: یونس / ۱۴ - ۱۳) بیشتر مفسران، استخلاف در آیه مورد بحث را از همین نوع می‌دانند.

نوع سوم: استخلاف ویژه برای انبیا و اوصیا از ناحیه حق تعالی است. خدا آنان را به‌طور خاص نماینده خود در زمین قرار داده، خلافت را برای آنان جعل کرده است. در واقع انبیا و اوصیا حجت خدا بر روی زمین هستند که براساس سنت پروردگار، باید همواره باشند و زمین خالی از حجت خدا نباشد. افزون بر مفسران شیعی برخی از مفسران اهل سنت نیز به این سنت اقرار دارند. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱ / ۲۲۲)

خلافت در آیه مورد بحث را از جهاتی می‌توان بر این نوع تطبیق کرد. در این صورت خلافت قوم موعود با جعل خاص الهی خواهد بود. دست کم بر پایه روایات و گفته مفسران شیعه و برخی مفسران اهل سنت رهبری آنان به دست مهدی موعود عج، وصی پیامبر اسلام خواهد بود که خلافتش از نوع سوم است.

از نگاه برخی مفسران، خلافت در آیه شریفه را می‌توان به دوگونه معنا کرد:

نخست: مراد از آن به معنای جانشینی از خدا بر روی زمین باشد. خلیفه باید در ذات و صفات مانند مستخلف عنه (کسی که از او جانشینی می‌کند) باشد تا بتواند از وی نیابت کرده و در مواردی مانند غیبت یا مرگ و عزل مستخلف عنه به جای وی نشیند. روشن است این مفهوم درباره خدا معنا ندارد و کسی نمی‌تواند در ذات و صفات همانند خدای سبحان باشد.

دوم: مقصود خلافت نبوت و امامت باشد که هر پیامبر و امامی جانشین پیامبر و امام پیش از خود است، از این رو هر پیامبر و امامی خلیفه خدا در روی زمین است؛ زیرا خدا وی را خلیفه قرار داده است.

از آنجا که سلطه فراگیر و سراسری بدین معنا برای پیامبران پیشین اتفاق نیفتاده است، بنابراین جانشینی پیامبر اسلام از پیامبران پیشین در این خصوص معنا ندارد. به همین سبب مقصود از خلافت در آیه شریفه به معنای خلافت ایمانی است که مؤمنان از امت اسلامی حسب شأن و رتبه خود از کفرانی که بر زمین تسلط دارند خلافت خواهند داشت و اداره امور جهان را به دست خواهند گرفت. (صادقی، ۱۳۶۵: ۲۱ / ۲۲۴)

برابر آنچه در معنای «استخلاف» گذشت، قوم موعود با جعل خاص الهی وارث سراسر زمین شده و پس از کفار بر سرتاسر گیتی حکومت خواهند داشت.

سه. تمکین

این واژه از ریشه «مکن» به معنای استقرار با قدرت است. از آثار چنین استقرار عظمی، بلندمرتبی، سلطنت و قدرت و قرار و ثبات داشتن در مکانی است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱ / ۱۵۱) منظور از تمکین دین، استقرار به همراه قدرت و استحکام و ثبات آن برای بهره‌مندی است (همان: ۱۵۲) از کاربردهای قرآنی هم مفهوم ثبات و استقرار قابل برداشت است. (مؤمنون / ۱۳؛ یوسف / ۵۴ و ۵۷)

از نگاه برخی مفسران، تمکین دین به معنای چیرگی و سیطره دین اسلام بر سایر ادیان است (طبرسی،

۱۴۰۶: ۷ / ۲۳۹) برخی از مفسران نیز گفته‌اند: مقصود والا کردن شأن دین در جامعه است، به گونه‌ای که خدای سبحان ارکان دین را تقویت می‌کند و اهل دین را در چشم دشمنانشان بزرگ جلوه می‌دهد و دشمنان را از جداسازی مردم از دین مأیوس می‌گرداند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۹ / ۳۹۳) از نگاه علامه طباطبایی نیز تمکین دین کنایه از استوار ساختن دین و استحکام بخشیدن به آن است به گونه‌ای که اصول آن بر اثر اختلاف سست نگردد و در اجرای قوانینش سهل‌انگاری نشود و به احکام آن عمل شود به گونه‌ای که در دل‌ها جای خواهد گرفت (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۵ / ۱۵۴؛ نیز: سید قطب، ۱۴۰۰: ۴ / ۲۵۲۹) برخی نیز گفته‌اند: مراد از آن تثبیت و استقرار دین است که هیچ‌گونه انحراف یا تحریفی در آن راه نخواهد یافت و همانند فراگیری خلافت مؤمنان، دین اسلام نیز بر همه ادیان غلبه داشته و فراگیر خواهد شد (صادقی، ۱۳۶۵: ۲۱ / ۲۲۵) آنچه در معنای این تعبیر گذشت با فراگیری و سیطره دین اسلام در سراسر زمین سازگارتر است.

چهار. کفر

در لغت به معنای پوشاندن، نقیض ایمان و شکر آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۱۵؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۵: ۵ / ۱۴۴) برخی از واژه‌پژوهان معاصر گفته‌اند: ریشه اصلی این واژه به معنای بی‌اعتنایی به چیزی و رد کردن آن است و سایر معانی از لوازم این معنا است. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۰ / ۸۰)

مفسران، «کفر» در آیه را به مفهوم کفران و ناسپاسی در برابر نعمت گرفته‌اند (قرطبی، ۱۴۰۵: ۱۲ / ۲۹۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۵ / ۱۵۴) کسانی که پس از این لطف الهی در برابر نعمت‌های خدا، با کفر یا نفاق یا گناهان کبیره ناشکری کنند؛ از زی‌بندگی خارج می‌شوند. (همان)

از آنجا که خدا می‌فرماید: هر کس کفران کند فاسق است، روشن می‌شود مراد از کفران، ناسپاسی و نقیض شکر است نه نقیض ایمان، زیرا کفر در برابر ایمان همیشه سبب خروج از اطاعت پروردگار است نه در موقعیت خاصی مانند وعده الهی در آیه شریفه، که پس از آن سبب خروج از بندگی خدا باشد.

پنج. فاسق

از ریشه «فسق» به معنای نافرمانی و سرپیچی از دستور خدا و خارج شدن از دایره شرع است، چنان‌که خرما از هسته خود خارج می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳۶؛ ابن‌منظور، همان: ۱۰ / ۳۰۸)

در تفسیر این واژه گفته‌اند: یعنی عصیان و نافرمانی خدا کرده‌اند (بغوی، ۱۴۲۰: ۳ / ۴۲۷؛ رازی، ۱۴۱۵: ۲۴ / ۴۱۴) از طاعت خدا و زی‌بندگی خارج شده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۵ / ۱۵۴؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۲۱ / ۲۱۹)

از مفهوم این دو واژه استفاده می‌شود زمانی که خدای سبحان نعمت خویش را بر بندگانش کامل کرد؛ در برابر ناسپاسی این نعمت، عذری پذیرفته نیست و با این کفران نعمت از زی‌بندگی خارج می‌شود، بنابراین روشن می‌شود این وعده، وعده ویژه‌ای است که باید در یک مرحله‌ای از تاریخ رخ دهد و خدای سبحان بر بندگانش اتمام حجت کند و برابر تفسیر مفسران در پایان تاریخ خواهد بود.

بحث و بررسی

از آنجا که مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر آیه و تعیین مخاطبان آیه بر یک دیدگاه نبوده و اختلاف نظر دارند، در بیان تفسیر آیه دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت جداگانه بررسی می‌شود.

ب) دیدگاه مفسران شیعه

در میان مفسران شیعه در مورد زمان تحقق و تعیین مصداق برای این آیه دوگونه دیدگاه، به چشم می‌خورد. برخی با الهام از روایات، تحقق این وعده را متعین به عصر ظهور و شماری دیگر، تحقق وعده الهی را با مصادیق گوناگون در طول تاریخ اسلام می‌دانند.

یک. انحصار تحقق وعده به عصر ظهور

این دیدگاه برابر روایات اهل بیت علیهم‌السلام، مقصود آیه را اهل بیت پیامبر به‌ویژه مهدی موعود علیه‌السلام و شیعیان آنان دانسته است (قمی، ۱۴۰۴: ۲ / ۱۰۸؛ فرات کوفی، ۱۳۷۴: ۱ / ۲۸۹؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ۷ / ۲۴۰ - ۲۳۹؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۲ / ۳۹۴) تعبیر به رضامندی خدای سبحان از دین قوم موعود این ادعا را تقویت می‌کند که مقصود از دین در آیه شریفه، دین اسلام با سرپرستی ولی خدا است، به‌ویژه نسبت استخلاف قوم موعود به حق تعالی، گواه بر جعل الهی این جانشینی است که قدر یقین سرپرستی این قوم به رهبری فردی الهی خواهد بود که در روایات فریقین مورد تأکید است، از این رو دیدگاه شیعه که بر روایات اهل بیت عصمت استوار است با این تمکین دین هم‌سو بوده و آیه بشارتی به شیعیان اهل بیت است که در روایات نیز اشاره شده و گواه بطلان ادعای مخالفان است.

طبرسی ضمن اشاره به دیدگاه‌ها در مقصود از مخاطبان آیه، می‌نویسد: «در معنای آیه اختلاف نظر است. گفته شده آیه درباره‌ی اصحاب پیامبر نازل شده و ابن‌عباس و مجاهد گفته‌اند: مفاد آیه عمومیت دارد و همه امت پیامبر را در بر می‌گیرد و در روایات اهل بیت علیهم‌السلام آمده است که آیه درباره‌ی امام مهدی علیه‌السلام از آل محمد علیهم‌السلام است» (طبرسی، ۱۴۰۶: ۷ / ۲۳۹) سپس روایتی از امام سجاده علیه‌السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود:

به خدا سوگند آنان [قوم موعود] شیعیان ما اهل بیت هستند، خدا این وعده را برای آنان به دست مردی از ما تحقق خواهد بخشید؛ وی مهدی این امت است همان کسی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره‌ی او فرمود: «اگر از دنیا جز یک روز باقی نباشد، آن روز را طولانی می‌کند تا مردی از عترت من که هم نام من و هم کنیه من است به ولایت و فرمانروایی رسد و زمین را از قسط و داد پر کند پس از آنکه از جور و ستم پر شده است» (طبرسی، ۱۴۰۶: ۷ / ۲۴۰ - ۲۳۹)

این روایت از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز نقل شده است (همان) آنگاه ایشان آیه را چنین معنا می‌کند: مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان است. این آیه به ایشان، استخلاف در زمین، تمکین در بلاد و ارتفاع خوف در زمان قیام امام مهدی علیه السلام را بشارت می‌دهد، به همین رو، مراد خدا [در تنظیر این خلافت] در فراز «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» عبارت از خلفای صالحی است که خدا آنان را پیش از این در زمین خلیفه قرار داده است، مانند حضرت آدم، داود و سلیمان. (بقره / ۳۰ / ص / ۲۶؛ نساء / ۵۴)، بر این قول [که مراد آیه پیامبر اکرم و اهل بیت ایشان هستند] اجماع عترت طاهره منعقد شده و اجماع آنان به دلیل حدیث ثقلین حجت است و از آنجا که تاکنون تمکین سرتاسری و فراگیر در روی زمین محقق نشده است، پس در آینده تحقق خواهد یافت (طبرسی، ۱۴۰۶: ۷ / ۲۴۰) شمار دیگری از مفسران شیعه نیز این دیدگاه را پذیرفته‌اند. (رازی، ۱۴۰۴: ۴ / ۵۴ - ۵۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰: ۲ / ۶۹) طبرسی افزون بر روایات و اجماع اهل بیت از شواهد درون‌متنی آیه نیز بهره برده می‌نویسد:

معنای «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» عبارت است از اینکه: خدا آنان را وارث تمام زمین‌های کافران از عرب و عجم می‌کند و ساکنان و پادشاهان زمین قرار خواهد داد ... و مراد از «وَلَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» نیز این است که دین اسلام را بر تمام ادیان چیره خواهد کرد، چنان‌که پیامبر فرمود: زمین برای من جمع شد و شرق و غرب آن برای من نمایان شد و به‌زودی فرمانروایی امت من سراسر زمین را فرا خواهد گرفت. (طبرسی، ۱۴۰۶: ۷ / ۲۴۰)

این مطلب بر انحصار تحقق این وعده در عصر ظهور از نگاه طبرسی دارد.

علامه طباطبایی پس از بحثی دراز دامن و ارزیابی و نقد دیدگاه‌ها در پایان چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

خدا به مؤمنان ناب که دارای عمل صالحند چنین وعده داده است: برای آنان اجتماعی شایسته و خالص از عیب کفر و نفاق و فسق برپا کند و آنان وارث زمین شوند و جز آموزه‌های دین حق بر باورها و اعمال آنان چیره نگردد. آنان در امنیت کامل به سر برند، بدون آنکه از دشمن درونی و بیرونی بترسند ... چنین جامعه‌ای پاک با این اوصاف قدسی ارزشمند از زمان بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تاکنون تحقق بیرونی نیافته است و اگر بنا باشد آن را بر مصداقی تطبیق کنیم بدون شک مفاد آیه با توجه به اوصافی که در اخبار متواتر از پیامبر اکرم و ائمه اهل بیت علیهم السلام درباره عصر ظهور امام مهدی علیه السلام رسیده است، تنها بر آن جامعه تطبیق خواهد شد (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۵ / ۱۵۱؛ نیز ر.ک: نجارزادگان، ۱۳۸۹: ۹۹ - ۹۱)

نکته‌ای که نباید در تفسیر آیه پوشیده بماند این است که باید مجموع شاخصه‌های بیان شده در آیه را

به صورت یک‌جا در نظر گرفت و آنگاه به داوری نشست. با این ملاحظه تاکنون جامعه‌ای با این ویژگی‌ها؛ جانشینی مؤمنان شایسته کردار در سراسر زمین (اطلاق «الارض» و عدم قرینه بر تطبیق آن بر نقطه معینی از زمین، گواه این ادعاست)؛ فراگیری دین اسلام (که از فراز تمکین دین به دست می‌آید)؛ امنیت گسترده و ویژه (تعبیر به «وَلْيَبْدِلْهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أُمَّتًا» به جای «لِيُؤْمِنَهُمْ» اشاره به امنیت ویژه‌ای دارد که تا عمق جان امنیت را درک خواهند کرد) و جامعه‌ای پیراسته از انواع شرک جلی و خفی (نکره در سیاق نفی افاده عموم می‌کند و «شیئاً» نکره است که پس از «لایشرکون بی» آمده است که اشاره به هرگونه شرکی دارد) تحقق نیافته است، چنان‌که مفسران شیعه با تصریح و مفسران اهل سنت با تصریح یا تلویح به این مطلب اشاره داشته‌اند.

دو. تحقق وعده با مصادیق متعدد

این دیدگاه بر این باور است که وعده حق تعالی دست‌کم یک‌بار در صدر اسلام تحقق یافت و عصر ظهور نیز یکی از مصادیق تحقق این وعده یا مصداق اتم آن است. اینان به عمومیت خطاب باور داشته و مقصود آیه را پیامبر و امت یا پیامبر و اصحاب وی یا مؤمنان نیکوکار از میان امت دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۱۹: ۷ / ۴۵۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۵ / ۱۵۲؛ قمی مشهدی، ۱۴۱۱: ۹ / ۳۳۵؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۴ / ۵۲۹) از همین رو تحقق وعده را محدود به زمان خاصی نکرده‌اند. شیخ طوسی، ملا فتح الله کاشانی صاحب *زبدہ التفاسیر*، سید محمد شیرازی صاحب *تفسیر تقریب القرآن و تفسیر نمونه* در این گروه جای می‌گیرند که تفصیل گفتارشان در ذیل آیه قابل پی‌جویی است (ر.ک: نجارزادگان، ۱۳۸۹: ۱۰۱ - ۹۹) در حقیقت این دیدگاه بر این پایه استوار است که خطاب در آیه عام بوده و به شمولش همه زمان‌ها و مکان‌ها را در بر می‌گیرد، از این‌رو از تخصیص آن به عصر ظهور خودداری کرده‌اند.

نقد و بررسی دیدگاه

شواهد درون‌متنی و برون‌متنی آیه شریفه با دیدگاه نخست توافق داشته و دیدگاه دوم را نفی می‌کند. حرف «من» در «منکم» برای تبعیض است نه تبیین (رازی، ۱۴۱۵: ۲۴ / ۴۱۳؛ بروسی، بی‌تا: ۶ / ۱۷۳؛ نسفی، ۱۴۱۶: ۳ / ۲۲۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۵ / ۱۵۰) با این وصف وعده به بعضی از اهل ایمان اختصاص دارد که دارای ویژگی‌های منحصر به فردی هستند که در آیه شریفه بیان شده است. این ویژگی‌ها از جامعه موعودی خبر می‌دهند که دین اسلام در آن تمکین یافته «وَلْيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» امنیت فراگیر «وَلْيَبْدِلْهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أُمَّتًا» و پیراستگی از هرگونه شرکی «يَعْبُدُونَنِي لِأَيْشُرِكُونَ بِي شَيْئًا» از بارزترین ویژگی‌های آن جامعه است. حاصل آنکه با تأمل در فرازهای آیه می‌توان به این نتیجه رسید که قوم موعود

در این آیه همه امت نیستند، تنها برخی از این امت هستند. آنان که از اوصاف والا و شایستگی‌های منحصر به فرد برخوردارند. (نजारزادگان، ۱۳۸۹: ۱۲۱)

اطلاق «الارض» از فراگیری جانشینی قوم موعود در سراسر گیتی حکایت دارد (مراغی، بی‌تا: ۱۸ / ۱۲۶؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۸ / ۱۲۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۵ / ۱۵۱) بر این اساس تاکنون دین اسلام در سراسر زمین تمکین نیافته و مؤمنان از امت اسلامی بر سرتاسر گیتی تسلط نیافته‌اند، چنان‌که امنیت فراگیر و با ثبات «وَلْيَبْدِلْهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أُمَّتًا» - خودشان را به امنیت بدل می‌کند که نشان از امنیت ویژه و باثباتی دارد - تاکنون برای جامعه اسلامی تحقق نیافته است؛ زیرا همیشه ترس از دشمنان بیرونی و درونی مؤمنان را تهدید می‌کرده است و انگهی از تبعیضیه بودن «من» مشخص شد که قوم موعود گروه خاصی از امت اسلامی با اوصاف ویژه هستند نه همه امت. نتیجه اینکه با اطلاق فرازهای آیه، عصر ظهور نه از مصادیق که تنها مصداق آیه خواهد بود.

از شواهد برون‌متنی می‌توان به روایاتی اشاره کرد که از سوی فریقین در تفسیر آیه شریفه صادر شده است. درنگ در مفاد این احادیث ما را به این واقعیت می‌رساند که عصر ظهور تنها مصداق آیه شریفه است. روایات شیعی در دیدگاه اول مورد اشاره قرار گرفتند، برای نمونه به بعضی احادیث اهل سنت نیز اشاره می‌شود؛ اهل سنت در ذیل این آیه از رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند: این دین به سان شب همه جا را فرا می‌گیرد (نسفی، ۱۴۱۶: ۳ / ۲۲۴) این تعبیر کنایه از انتشار اسلام در شرق و غرب و فراگیری دریا و خشکی است (شریف رضی، بی‌تا: ص ۴۱۹) همچنین مقداد بن اسود می‌گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: هیچ خانه‌ای گلین یا مویین بر روی زمین باقی نمی‌ماند جز آنکه خدا آیین اسلام را در آن وارد می‌کند (قرطبی، ۱۴۰۶: ۱۲ / ۳۰۰؛ ماوردی، بی‌تا: ۴ / ۱۱۸) و روایاتی مشابه که گستره وعده در آیه شریفه را در پهنه گیتی می‌داند و چنین وعده‌ای جز در عصر ظهور واقع نخواهد شد، افزون بر این، دیدگاه دوم به رغم استناد به احادیث عصر ظهور بدون یادکرد از هرگونه دلیلی مفهوم آیه را عام گرفته و عصر ظهور را از مصادیق وعده یا مصداق اتم آن گرفته است.

یادآوری این نکته ضروری است که هر دو گروه بر تحقق این وعده به دست مهدی موعود ﷺ تأکید دارند. پر رنگ بودن نگاه به آینده در فرهنگ شیعه و تابش نور امید از سوی ائمه اهل بیت بر دل‌های شیعیان، افق دیدشان به آینده را وسعت بخشیده و آشکار شدن وعده تخلف‌ناپذیر الهی را به دست مهدی منتظر می‌دانند که روایات فریقین به وجود و ظهورش در پایان تاریخ بشارت داده‌اند. نباید فراموش کرد این نگاه از پشتوانه عقلی، نقلی و تاریخی برخوردار است؛ زیرا بر حسب شواهد تاریخی تاکنون جامعه مسلمانان شاهد تحقق جامعه موعود آیه نبوده است (صادقی، ۱۳۶۵: ۱۹ / ۳۷۷) زیرا تحقق بعضی مؤلفه‌های آیه به معنای تحقق کامل آن نیست، چنان‌که پیشتر هم اشاره شد؛ از اساسی‌ترین شاخصه‌های این جامعه، رهبری

الهی آن می‌باشد که هرچند در دوره کوتاهی این مهم تحقق یافته است ولی با سایر مؤلفه‌ها به‌طور کامل هنوز محقق نشده است.

بر این اساس مفسران شیعه بر یک رأی اتفاق نظر داشته و دیدگاه آنان از آشفتگی دیدگاه اهل سنت، عاری و پیراسته است. این وحدت و یک پارچگی نتیجه محتوم پذیرش ولایت ائمه اهل بیت علیهم‌السلام و از آثار پر برکت این باور است.

چنان که ملاحظه شد قرآن پژوهان شیعی در این قول به نتیجه واحد رسیده، تحقق وعده حق تعالی را برای عصر ظهور متعین دانستند. اندک اختلاف آنان در تعیین مصداق آیه بود که به نظر می‌رسد با گفتاری که در معنای استخلاف گذشت، دست یابی به دیدگاه یکسان دشوار نمی‌باشد؛ زیرا چنان که گذشت مقصود از خلافت در آیه می‌تواند از نوع دوم و سوم باشد که با این وصف بین دو دیدگاه جمع می‌شود.

ج) دیدگاه مفسران اهل سنت

مفسران اهل سنت در تفسیر آیه بر یک دیدگاه نبوده و اختلاف نظر دارند. دیدگاه‌های اهل سنت در این آیه در سه مقام، قابل بررسی است: نخست: تعیین مخاطبان آیه؛ دوم: تطبیق آن بر خلفای چهارگانه؛ سوم: تطبیق آیه بر عصر ظهور یا دست‌کم از مصادیق آیه.

یک. عمومیت خطاب در آیه

دیدگاه غالب در میان مفسران اهل سنت، مخاطبین آیه را بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اصحاب وی، مؤمنان نیکوکار در هر عصر و زمانی یا امت اسلامی، تطبیق داده و بر این اساس به تفسیر آیه پرداخته است، از این‌رو مورد آیه را بر رخدادهای صدر اسلام تطبیق داده است (اندلسی، ۱۴۱۲: ۸ / ۶۴؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۲ / ۲۱۵؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳ / ۳۰۴؛ زمخشری، ۱۴۱۵: ۳ / ۲۵۱)^۱ برخی از اینان، خطاب در «منکم» را به حاضران در وقت نزول محدود کرده‌اند (رازی، ۱۴۱۵: ۲ / ۴۱۳؛ نیشابوری، ۱۴۱۳: ۵ / ۲۰۹)، تا از این رهگذر انحراف خلافت از مسیر اصلی را توجیه کرده و انکار واقعیت‌های اعتقادی در این خصوص را سهل و آسان جلوه دهند اما برخی از مفسران این ادعا را مردود دانسته و بر عمومیت خطاب در همه زمان‌ها و مکان‌ها تأکید دارند. (دروزه، ۱۴۲۱: ۸ / ۴۳۸ - ۴۳۷)

ابن عاشور خطاب «منکم» را عموم امت از مشرک و منافق گرفته و وعده الهی را مخصوص مؤمنان نیکوکار دانسته است (ابن عاشور، بی‌تا: ۱۸ / ۲۲۶) چنان که برخی این‌گونه خطابات قرآنی را عام گرفته، شامل عموم مؤمنان در همه زمان‌ها و مکان‌ها دانسته‌اند. (دروزه، ۱۴۲۱: ۸ / ۴۳۸ - ۴۳۷)

۱. روایات مورد استناد و نقد آن را در مهدیان‌فر، ۱۳۹۴ ببینید.

عمومیت خطاب در آیه دلیل بر تحقق جامعه موعود در عصر نزول و در همه اعصار نمی‌باشد. در واقع وعده به جامعه ایمانی است که پیوندی ناگسستنی در درازای تاریخ دارند، چنان که بشارت به مهدی موعود از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت در زمان صدور روایات به مفهوم ظهور ایشان در عصر صدور نیست.

دو. خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه (خلافت خلفای راشدین)

چنان که گذشت تقریباً به باور عموم مفسران اهل سنت، مخاطبان آیه پیامبر و صحابه وی یا صحابه که در زمان نزول آیه حاضر بودند، می‌باشد. اساس این باور خبر واحدی است که از ابوالعالیه در شأن نزول این آیه نقل شده است. افزون بر نقد و بررسی این روایت در ادامه پژوهش حاضر؛ از سوی برخی قرآن‌پژوهان معاصر نیز نقد مفصلی انجام شده است (نجارزادگان، ۱۳۸۹: ۱۴۶ - ۱۰۲؛ دژآباد، ۱۳۹۱: ۵۳) طبری دربارهٔ محدوده زمانی - از شروع تا خاتمه - این وعده نقل کرده است:

قال فأظهره الله علي جزيرة العرب، فأمنوا، ثم تجروا، فغير الله ما بهم. و كفروا بهذه النعمة، فأدخل الله عليهم الخوف الذي كان رفعه عنهم قال القاسم: قال أبو علي: بقتلهم عثمان بن عفان رضي الله عنه. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۸ / ۱۲۳)

[گویا ابوالعالیه] گفت: پس خدا دین آنان را بر جزیره العرب چیره ساخت و اهل آن ایمان آوردند سپس عناد کردند و به این نعمت کفر ورزیدند. خدا هم وضعیت را تغییر داد و خوفی که از آنان برداشته بود، دوباره بر آنان وارد ساخت. قاسم می‌گوید: ابوعلی گفت: زمان کفران نعمت و تغییر امنیت به خوف، از قتل عثمان بوده است. برابر این قول وعده حق تعالی از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه شروع و با قتل عثمان به پایان رسید.

به باور برخی مفسران، این آیه روشن‌ترین دلیل بر امر خلافت خلفای راشدین است (زمخشری، ۱۴۱۵: ۳ / ۲۵۲؛ نسفی، ۱۴۱۶: ۳ / ۲۲۴) فخر رازی نیز بر دلالت آیه بر امامت خلفای چهارگانه (به‌ویژه سه خلیفه اول) اصرار دارد. وی با این بیان که خطاب در آیه به مؤمنان شایسته کردار حاضر در عصر نزول است و وعده جانشینی آنان که به جانشینی پیشینیان تشبیه شده است به دلیل خاتمیت نبوت با امر امامت سازگار است و از آنجا که وعده‌های مزبور در حکومت ابوبکر، عمر و عثمان حاصل شد، آیه شریفه بر امامت آنها دلالت دارد. (رازی، ۱۴۱۵: ۲۴ / ۴۱۳)

در نقد این دلیل باید گفت: از میان صحابه، هیچ صحابی‌ای آیه یاد شده را بر خلافت خلفای سه‌گانه یا حکومت‌های بعدی تطبیق نداده است. کهن‌ترین منبع در این خصوص - نقل روایت مزبور - کتاب *التقاسم* است که از ضحاک از طبقه تابعین از مفسران نقل کرده است، چنان که ابوالعالیه از تابعین نیز آیه را بر خلافت خلفای سه‌گانه تطبیق داده است. بر این اساس جز این دو نفر از تابعین، کسی از مفسران این مطلب را بیان نکرده‌اند.

به نقل ذهبی از یحیی بن سعید؛ «ضحاک نزد وی ضعیف است»، و ابن عربی و دیگران گفته‌اند: «روایات او جای تأمل دارد». (ذهبی، ۱۳۸۲: ۲ / ۳۲۶؛ عقیلی، ۱۴۱۸: ۲ / ۲۱۸؛ ابن حجر، ۱۴۰۴: ۴ / ۳۹۸)

همچنین ابوالعالیه، به‌رغم توثیق از سوی علمای اهل سنت، نزد شیعه و برخی از فقهای اهل سنت توثیق نشده است. ابن حبان گفته است: «وکان الشافعی سئ الرأي فیہ (ابن حبان، ۱۳۹۳: ۴ / ۲۳۹)؛ شافعی نسبت به ابوالعالیه نظر خوبی نداشت».

از سوی دیگر براساس گزارش‌های تاریخی؛ ابوالعالیه بیشتر به خلفای سه‌گانه میل داشته است تا به امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام:

عن عاصم الأحول قال: قال لنا أبو العالیة وهو يعلمنا تعلموا الإسلام فإذا علمتموه فلا ترغبوا عنه وعليكم بالصرط المستقیم فإنه الإسلام لا تحرفوا الصراط یمینا وشمالا وعليکم بسنة نبیکم محمد (صلي الله عليه وسلم) والذي كان عليه أصحابه من قبل أن تقتلوا صاحبکم ومن قبل أن يفعلوا ما فعلوا فإننا قرأنا القرآن من قبل أن يقتلوا صاحبکم ومن قبل أن يفعلوا الذي فعلوا بخمس عشرة سنة قال عاصم فحدثت به الحسن فقال صدق ونصح. (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۸ / ۱۷۰)

عاصم احوال می‌گوید: ابوالعالیه، به ما یاد می‌داد که اسلام را یاد بگیریم و از آن روی گردان نشویم. ما را به صراط مستقیم می‌خواند و از انحراف از آن نهی می‌کرد. وی همچنین ما را به سنت و سیره نبوی و سنت اصحاب پیامبر تا قبل از کشته شدن عثمان دعوت می‌کرد. این گزارش و گزارش‌هایی مبنی بر درک علی بن ابی طالب از سوی وی، بدون نقل روایت از ایشان، نشان و گواهی بر ادعای ما است.

به هر تقدیر تنها این دو نفر از تابعین چنین ادعایی را مطرح کرده‌اند و چنان‌که اشاره شد بعد از ایشان برخی از مفسران با این ادعا هم‌سو و شماری دیگر مخالفت داشته‌اند.

از سوی دیگر با مراجعه به شواهد درون‌متنی آیه که جانشینی از قوم کافر در سراسر زمین به‌سان جانشینی بنی‌اسرائیل از کافران، تثبیت دین اسلام در زمین و امنیت فراگیر و با ثبات (از تعبیر «لیبدلنهم» به‌جای «لیبدلن خوفهم امانا») و جامعه‌ای پیراسته از شرک را به مؤمنان وعده داده است می‌توان به این واقعیت دست یازید که تاکنون جامعه موعود با این مؤلفه‌ها تحقق نیافته است. بنابر این تخصیص آیه به صحابه بدون دلیل بوده و تحقق دوباره آن امری ممکن است:

و هو وعد یعمر جمیع الأمة. و قیل: هو خاص بالصحابه، و لا وجه لذلك، فإن الإیمان و عمل الصالحات لا یختص بهم، بل یمکن وقوع ذلك من کل واحد من هذه الأمة، و من عمل بکتاب

الله و سنة رسوله فقد أطاع الله و رسوله ... و قد أبعد من قال إنها مختصة بالخلفاء الأربعة، أو بالمهاجرين، أو بأن المراد بالأرض أرض مكة، و قد عرفت أن الإعتبار بعموم اللفظ لا بخصوص السبب. (شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۵۵)

و این وعده همه امت را شامل می‌شود و گفته شده این وعده به صحابه اختصاص دارد، ولی دلیلی بر آن نیست؛ چون ایمان و عمل صالح به آنان اختصاص ندارد، بلکه وقوع دوباره این وعده برای هر کسی از این امت امکان پذیر است ... در میان این اقوال، قول کسانی که وعده را به خلفای چهارگانه یا مهاجران، اختصاص داده، و مراد از زمین را زمین مکه دانسته، از واقعیت دورتر است؛ چون اعتبار به عموم لفظ است نه خصوص سبب که این آیه به خاطر آن نازل شده است.

حاصل گفتار فخر رازی منصوص بودن جانشینی و امامت خلفای سه گانه است که با اندیشه سیاسی اهل سنت که خلافت را منصوص و منصوب نمی‌دانند، سازگار نیست. افزون بر این با شیوه انتخاب خلفا که هر یک به نوعی متفاوت تعیین شدند نیز در تضاد است. چنان که شمار زیادی از مفسران اهل سنت نیز تحقق وعده را در خلفای سه گانه (یا چهارگانه) منحصر ندانسته و از عمومیت خطاب نسبت به همه امت و تحقق آن در زمان‌های گوناگون خبر می‌دهند.

سه. تحقق وعده در عصر ظهور

بیشتر مفسران اهل سنت، بحث از امکان تحقق دوباره وعده حق تعالی در آینده - به‌ویژه پایان تاریخ - را فروگذاشته‌اند. شاید بتوان دلیل این امر را در کم رنگ جلوه دادن روایات مهدویت و نگاه خوش بینانه به آینده، از سوی دستگاه خلافت جست؛ زیرا نگاه به آینده و انتظار منجی بیداری جامعه را سبب شده و تمکین به حکومت‌های جور را با مشکل روبه رو می‌سازد، از این رو جامعه اهل سنت همواره فرمان بر حکومت‌ها بوده و به‌رغم وجود روایات مهدویت در روایات‌شان کمتر به آینده نگاه اندیشمندانه داشته‌اند.

اما شماری از مفسران اهل سنت با استناد به احادیث «اثنی عشر خلیفه» آیه را بر مهدی موعود^ع تطبیق داده‌اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶ / ۷۲) ابن کثیر آغاز تحقق وعده را از زمان نزول آیه فرض کرده و تا عصر ظهور مهدی موعود امتداد داده است. بر این اساس آیه شریفه به پایان تاریخ نظر داشته و به دیگر سخن تحقق کامل وعده حق تعالی در واپسین روزهای تاریخ با ظهور و رهبری مهدی موعود جامعه عمل خواهد پوشید. نظیر دیدگاه ابن کثیر، تفسیر کابلی است که آخرین خلیفه را امام مهدی^ع می‌داند (دیوبندی، ۱۳۸۵: ۴ / ۳۷۴) برخی نیز این وعده را در زمان خاصی محدود ندانسته و از زمان نزول تا قیامت قابل تحقق می‌دانند (سید قطب، ۱۴۱۲: ۴ / ۲۵۳۰ - ۲۵۲۹) که در این صورت نیز آیه به عموم خود شامل پایان تاریخ و ظهور مهدی موعود خواهد بود.

حاصل آنکه مشهور مفسران اهل سنت، مفاد آیه را ناظر به صحابه به‌طور خاص یا امت اسلامی به‌طور عام دانسته‌اند، چنان‌که شماری از آنان، آن را دلیل برخلافت خلفای چهارگانه گرفته‌اند. برخی نیز به شمول آیه نسبت به پایان تاریخ و مهدی موعود تصریح کرده‌اند. شواهد درون‌متنی و برون‌متنی (واقعیت‌های تاریخی) تحقق تام وعده در عصر ظهور را متعین می‌داند. (برای توضیح بیشتر نقد ادله اهل سنت ر.ک: مهدیان فر، ۱۳۹۴)

نتیجه

از بررسی واژگان آیه و دیدگاه مفسران روشن شد که تعبیر به وعده، محتوای آیه را به زمانی جز گاه نزول آیه می‌برد. در آن زمان مؤمنان شایسته کردار جانشینان در زمین خواهند شد که به‌نظر می‌رسد این جانشینی، به مفهوم جانشینی از کسانی باشد که امور جهان را به ناحق در قبضه خود داشتند؛ وعده به مؤمنان شایسته کردار و تشبیه به جانشینی مؤمنان در امت‌های پیشین گواهی بر این ادعاست؛ زیرا مقصود از وعده به مؤمنان برای جانشینی، نشان از این دارد که امور به دست دیگران بوده، چنان‌که در امت‌های پیشین نیز این‌گونه بوده است. همچنین محتوای آیه گواه دیگری بر این ادعاست، زیرا تاکنون تمکین دین اسلام با وصفی که در آیه آمده و امنیت کامل مؤمنان و فقدان شرک واقع نشده است و نیز در پایان آیه با همگان اتمام حجت می‌کند که ناسپاسان در آن جامعه فاسق بوده و از دین خارج هستند. چنین تعبیر تهدیدآمیزی در شرایط خاص است که نشان از جامعه‌ای ویژه می‌دهد که تاکنون رخ عیان نکرده است.

با این بیان روشن می‌شود که دیدگاه مفسران اهل سنت دور از صواب و متأثر از تعصب اعتقادی است، اما با تأمل در گفتار مفسران شیعه و سنی، می‌توان به نقطه اشتراکی دست یافت که آیه ناظر به آینده و پایان تاریخ باشد؛ زیرا همان‌طور که اشاره شد نتیجه دیدگاه مفسران شیعه، تطبیق آیه بر پایان تاریخ به‌طور متعین یا دست‌کم یکی از مصادیق و مصداق اتم آن است. مفسران سنی نیز از انحصار آیه به عصر نزول سخن نگفته و شمول آن در همه اعصار را نفی نکرده‌اند؛ لازمه این دیدگاه پذیرفتن تطبیق آیه بر پایان تاریخ است، چنان‌که برخی از اهل سنت تصریح کرده‌اند، اما از نگاه ما آیه به‌طور متعین ناظر به حوادث آینده است نه رخدادهای صدر اسلام یا تاریخ اسلام.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم.

- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیة.

- ابن جوزی، عبدالرحمن، ۱۴۲۲ ق، زاد المسیر، بیروت، دار الکتب العربیة.

- ابن حبان، محمد، ۱۳۹۳ ق، *الثقات*، بی جا، دار الکتب الثقافية.
- ابن حجر، شهاب‌الدین احمد، ۱۴۰۴ ق، *تهذیب التهذیب*، بیروت، دار الفکر.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۴۱۰ ق، *مشابه القرآن و مختلفه*، قم، بی جا.
- ابن عاشور، محمد طاهر، بی تا، *التحریر و التنویر*، بی جا، مؤسسة التاریخ.
- ابن عساکر، علی بن حسن، ۱۴۱۵ ق، *تاریخ مدینة دمشق*، بیروت، دار الفکر.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۵ ق، *لسان العرب*، قم، ادب الحوزة.
- اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۶۴ - ۶۳، فوکویاما، فرانسیس، پایان تاریخ و آخرین انسان، ترجمه موسی غنی نژاد.
- اندلسی، ابویحیی محمد بن یوسف، ۱۴۱۲ ق، *البحر المحیط*، بیروت، دار الفکر.
- بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ ق، *معالم التنزیل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- دخیل، علی بن محمد، ۱۴۲۲ ق، *الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیروت، دار التعارف، ج ۲.
- دروزه، محمد عزت، ۱۴۲۱ ق، *التفسیر الحدیث*، قاهره، دار احیاء الکتب.
- دیوبندی، محمود حسن، ۱۳۸۵، *تفسیر کابلی*، تهران، احسان، ج ۱۱.
- ذهبی، محمد بن احمد، ۱۳۸۲ ق، *میزان الاعتدال*، بیروت، دار المعرفة.
- رازی، ابوالفتح حسین بن علی، ۱۴۰۴ ق، *روض الجنان و روح الجنان*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۱۵ ق، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات فی غریب القرآن*، دمشق، دار القلم.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۱۵ ق، *الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، قم، بلاغت.
- سمرقندی، نصر بن محمد، ۱۴۱۶ ق، *بحر العلوم*، بیروت، دار الفکر.
- سید قطب، ۱۴۰۰ ق، *فی ظلال القرآن*، القاهرة، دار الشروق.
- شریف رضی، بی تا، *المجازات النبویه*، قم، مکتبه بصیرتی.
- شفیع سروسنانی، اسماعیل، ۱۳۹۰، *غرب و آخر الزمان*، تهران، هلال.
- شوکانی، محمد، ۱۴۱۴ ق، *فتح القدیر*، بیروت، دار ابن کثیر.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، تهران، فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۹۳ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، اعلمی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۶ ق، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، بیروت، دار المعرفة.

- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه.
- طوسی، محمد، ۱۴۱۹ ق، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، علی بن حسین، ۱۴۱۳ ق، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، قم، دار القرآن.
- العقیلی، محمد بن عمرو، ۱۴۱۸ ق، ضعفاء العقیلی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ج ۲.
- فرات بن ابراهیم، ۱۳۷۴، تفسیر فرات کوفی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۴۰۵ ق، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۴۱۱ ق، کنز الدقائق، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ ق، تفسیر قمی، قم، دار الکتب.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۵، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- کاشانی، فتح الله، ۱۴۲۳ ق، زبده التفاسیر، قم، المعارف الاسلامیه.
- مدرسی، سید محمدتقی، ۱۴۱۹ ق، من هدی القرآن، تهران، دار محبب الحسین (علیه السلام).
- مراغی، احمد بن مصطفی، بی تا، تفسیر المراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مهدیان فر، رضا، ۱۳۹۴، رویکرد تطبیقی به پایان تاریخ از نگاه قرآن و نظریه های معاصر، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.
- نجارزادگان، فتح الله، ۱۳۸۹، بررسی تطبیقی آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی در دیدگاه فریقین، تهران، سمت.
- نسفی، عبدالله، ۱۴۱۶ ق، تفسیر النسفی، بیروت، دار الکتب العربی.
- نیشابوری، نظام الدین، ۱۴۱۶ ق، غرائب القرآن، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ب) مقاله ها

- دژآباد، حامد، تابستان ۱۳۹۱، «بررسی ادله اهل سنت درباره آیه استخلاف و ارتباط آن با عصر ظهور»، مشرق موعود، شماره ۲۲، ص ۹۰ - ۵۳، قم، مؤسسه آینده روشن.
- کاظمی، علی اصغر، ۱۳۷۹، «پایان سیاست و واپسین اسطوره»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۲ - ۱۶۱، ص ۵۱ - ۳۸، تهران، مؤسسه اطلاعات.
- دوبنوا، آلن، ۱۳۷۰، «بازگشت تاریخ»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ترجمه شهروز رستگار، ش ۵۰ - ۴۹، ص ۲۴ - ۲۰، تهران، مؤسسه اطلاعات.

نقد الرأى التفسيري للقرضاوى؛ تفسير آيات حرمة الغناء نموذجاً

محمدصادق يوسفى مقدم^١

الخلاصة: الغناء من الموضوعات الفقهية التي أبدى الفقهاء المسلمون من جميع المذاهب الإسلامية رأيهم فيها علي مرّ التاريخ، وبحثوه من مختلف الأبعاد والجوانب. ورغم كلّ ذلك يُلاحظ أنهم قلما تناولوا هذا الموضوع في بحوثهم من وجهة نظر قرآنية. الشخص الوحيد الذي استند الي آيات القرآن الي حدّ ما، لإثبات وجهة نظره هو يوسف القرضاوى؛ حيث أفتي بحلّة الغناء من خلال تحليله لآيات القرآن. في هذا البحث من بعد القاء نظرة عامة علي رأى فقهاء الشيعة وأهل السنّة حول حكم الغناء، نتناول بالبحث والنقد رأى القرضاوى فيه، ونثبت من خلال رؤية قرآنية، الحرمة الذاتية للغناء، ونظراً الي أن حكم الحرمة الذاتية أو العرضية للغناء من المواضع الفقهية المهمة والمعقدة، فقد جري تبیین ما ورد بشأنه في النظرة الفقهية القرآنية وفي الروايات التفسيرية. **الألفاظ المفتاحية:** آيات الأحكام، التفسير الفقهى، الغناء، يوسف القرضاوى.

الوظائف التفسيرية للإستنادات القرآنية في خطب السيّدة فاطمة الزهراء عليها السلام

فتحیه فتاحی زاده^٢ / بی بی سادات رضی بهابادی^٣ / فرشته معتمدلنگرودی^٤

الخلاصة: من معالم كلام المعصومين الإستناد الي آيات القرآن الكريم. وقد استندت السيّدة فاطمة الزهراء عليها السلام في خطبها الي آيات القرآن وفقاً لما تقتضيه الحاجة وما يستدعيه المقام. مثل هذه الإستنادات القرآنية يمكن أن تُعدّ من أهم مصادر تفسير القرآن. تتمثل معظم وظيفة هذه العلاقات في توسيع نطاق التفسير النقلي. يتناول هذا البحث، الوظيفة أو الأداء التفسيري للإستنادات القرآنية في خطب السيّدة فاطمة الزهراء عليها السلام وحجمها ومدى كثرتها، وفيه ينصبّ التركيز علي الوظائف التفسيرية للإستنادات القرآنية للسيّدة الزهراء عليها السلام بدلاً من التركيز علي محتوي كلمات القرآن وخطب السيّدة فاطمة الزهراء عليها السلام. تكشف هذه الدراسة أن ما تناولته هذه السيّدة الجليلة عليها السلام من الآيات القرآنية جاء أحياناً في سياق تبیین المعني، والجرى والتطبيق، والتوسيع المفهومي والمصداقي للآيات، وكذلك الإستشهاد بآيات القرآن. في هذا المجال كان تبیین المعني، وذكر تطبيق الآيات، واستشهادات السيّدة فاطمة عليها السلام بالقرآن، والتوسيع المفهومي والمصداقي للآيات، أكثر الوظائف التفسيرية لهذه الإستنادات علي التوالي.

الألفاظ المفتاحية: الروايات التفسيرية، الوظائف التفسيرية، الخطبة الفدكية، تجلي القرآن في الروايات.

y.moqaddam@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٤/٢٦

f_fattahizade@alzahra.ac.ir

b.razi@alzahra.ac.ir

f_motamad_2011@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٥/٠٨

١. استاذ مشارك في المعهد العالی للعلوم والثقافة الإسلامية.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٩/١٥

٢. استاذة في جامعة الزهراء عليها السلام.

٣. استاذة مشاركة في جامعة الزهراء عليها السلام.

٤. طالبة دكتوراه في جامعة الزهراء عليها السلام (الكاتبة المسؤولة).

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/١٠/٠٥

بداية نشأة العالم في تفسير الآيات وآخر معطيات علم الفلك

محمود كريمي^١ / سيد مهراي موسى^٢

الخلاصة: أشير في آيات متعددة من القرآن الكريم الي مسألة بداية خلق العالم، وتطرق فيها الي مسائل مثل ماهية وكيفية الوجود قبل الخلق، والي المواد الأولية التي تكوّن منها، وتوسيع السماوات. وبظهور نظريات جديدة في العلوم التجريبية، حاول منكرو الإسلام اثبات معارضة بعض العلوم التجريبية مع القضايا المطروحة في القرآن الكريم، بهدف إثارة الشكوك حول كَوْن القرآن وحياً منزلاً من عند الله. ومن هنا تكتسب معرفة رأى القرآن وتبينه الدقيق حول كيفية بداية خلق العالم أهمية في هذا المجال لكي يتسني في ضوئها تبين أن ما جاء في القرآن لا يتعارض مع العقل ولا مع معطيات العلوم التجريبية القطعية، بل أنه في موارد كثيرة يتطابق الي أبعد الحدود مع آخر ما توصل اليه علم الفلك. بل ويمكن في بعض الحالات طرح رأى القرآن الي جانب سائر النظريات العلمية المطروحة علي الساحة، كنظرية مستقلة ومتميزة. يرمى هذا البحث الذي بين أيديكم، في سياق بيانه لآخر معطيات علم الفلك حول نشأة الوجود، يرمى الي دراسة أهم أقوال المفسرين والمفكرين في الآيات المتعلقة بهذا المجال. ومن بعد بيان الرأى المختار، يأتي علي ذكر ما تصف به من أوجه شبه واختلاف مع ما جاء في نظرية القرآن الكريم.

الألفاظ المفتاحية: الآيات العلمية، آيات الخلق، نشأة العالم، القرآن الكريم.

بحث تفسيري في حليّة نكاح نساء أهل الكتاب

(دراسة مقارنة للآية ٥ من سورة المائدة في رأى مفسري الفريقين)

محمد هادي مفتاح^٣ / سجاد محمد نام^٤

الخلاصة: طرّح موضوع زواج المسلمين من غير المسلمين في آيات مختلفة مثل: النور / ٣، والبقرة / ٢٢١، والمنتحة / ١٠. كذلك بين القرآن الكريم في الآية ٥ من سورة المائدة بحث نكاح المسلمين من أهل الكتاب. طرح مفسرو الفريقين في ذيل هذه الآية الشريفة، آراء مختلفة يمكن تبويبها في أربعة أقسام؛ قسم يحرم كلياً زواج المسلمين بأهل الكتاب؛ والقسم الثاني يقول بجوازه كلياً، والقسم الثالث يقول بجوازه بشكل محدود؛ وهذا القسم الأخير يُقسم الي قسمين. في هذا البحث نشرح هذه الأقوال بالتفصيل مع بيان لأدلة كلّ واحد منها. ثم نجرى عملية تحليل ونقد لها. وفي الختام يكون الترجيح والتأييد للقول بجواز نكاح أهل الكتاب.

الألفاظ المفتاحية: الآية ٥ من سورة المائدة، الآيات الفقهية، الزواج مع أهل الكتاب، التفسير المقارن.

karimii@isu.ac.ir

meh.mousavi@isu.ac.ir

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٣/٠٦

mhmofateh@yahoo.com

smn1366@gmail.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٥/١٨

١. استاذ مشارك في جامعة الإمام الصادق عليه السلام.

٢. طالب ماجستير في جامعة الإمام الصادق عليه السلام (الكاتب المسؤول).

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٩/١٠

٣. استاذ مشارك في جامعة قم.

٤. طالب دكتوراه جامعة قم (الكاتب المسؤول).

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٨/٣١

دراسة تفسيرية لآيات انحصار وشمول علم الغيب عند الأنبياء

عصمت نيري^١ / محمد ابراهيم ايزدخواه^٢

الخلاصة: الرسول والإمام أصفياء الله تبارك وتعالى ولا بد أن تتوفر فيهم صفات خاصة كالعصمة والعلم. في القرآن الكريم، مجموعتان من الآيات حول علم الغيب؛ قسم منها يدل علي انحصار علم الغيب بالله وحده، وقسم آخر منها دالّ علي شمول هذا العلم الي غير الله. يظهر لنا من خلال دراسة هذه الآيات أنه لا تعارض بين الآيات الدالة علي انحصار علم الغيب بالله وبين تلك الدالة علي شمول علم الغيب لغير الله، بحيث أن الآيات الدالة علي الشمول تبين اجمالاً أن الأنبياء لديهم علم بالغيب، وتخبر عن علم النبي بالغيب. هذه الآيات بشكل عام تنسب اليهم العلم بالغيب أو تثبت لهم العلم بالغيب في موارد معينة. نفى الآيات الدالة علي نفى علم الغيب عن غير الله، ليست مطلقة، بل تنفي علم الغيب الذاتي وما يكون باستقلال عن غير الله، فمن المؤكد أن علم الغيب الذاتي يختص بالله وحده. هذا النفي لعلم الغيب، لا يتعارض مع العلم بحقائق العالم، باذن الله وافاضة الحق علي الأنبياء والأئمة.

الألفاظ المفتاحية: آيات علم الغيب، انحصار علم الغيب، شمول علم الغيب، علم الأنبياء.

القائل وتناسب آيات «أني لم أكنه بالغيب... وما أبرئ نفسي...» في تفاسير الإمامية

علي راد^٣

الخلاصة: تشير الآيتان ٥٢ و ٥٣ من سورة يوسف الي دفاع أحد طرفي النزاع في قضية مرادة يوسف عليه السلام. المدافع القائل «بنفي حصول الخيانة في الغيب»، و«ميل النفس الأمانة الي سوء»، يؤكد توجيه براءته من قضية الشهوة. من الواضح من هو المدافع هنا وما التناسب بين هذين الشطرين من الدفاع. يتولّى هذا البحث إعادة بحث وتقييم الاتجاه الذي سلكته تفاسير الإمامية في تعيين القائل ومدى التناسب بين هذين المقطعين من الدفاع. تشير نتائج البحث الي أن بعض مفسري الإمامية من القدماء والمعاصرين، يذهبون الي القول إن زليخا هي القائلة لهذا الكلام، وإن الآية الثانية هي توجيه لعدم وقوع عمل القبيح مع يوسف عليه السلام. وأما الإتجاه الثاني فيري أن يوسف عليه السلام هو القائل لهذه الآيات، وأن الآية الثانية دليل علي تخلصه من شرك لذة زليخا. يتعاطي هذا البحث مع الإتجاه الأول بالتحليل النقدي، ويأخذ علي عاتقه إكمال أدلة الإتجاه الثاني، ويقترح اتخاذه كنظرية معيارية للإمامية في تفسير هذه الآيات.

الألفاظ المفتاحية: الآيتان ٥٢ و ٥٣ من سورة يوسف، قائل الآيات، تناسب الآيات، تفسير الإمامية.

nayyeri100@gmail.com

dr.izadkhah@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٢/١٠

ali.rad@ut.ac.ir

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٤/٠٦

١. طالب دكتوراه في تدريس المعارف الإسلامية، جامعة فردوسی (الكاتب المسؤول).

٢. استاذ مساعد في قسم المعارف الإسلامية في جامعة قم.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٦/١٦

٣. استاذ مشارك في جامعة طهران.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/١٠/٠٤

نطاق مفهوم «الجهاد بمثابة القتال» في فكر سيد قطب والعلامة الطباطبائي

يوسف نجفي^١ / حمزه علي بهرامي^٢

الخلاصة: ابلاغ الوحي والدعوة الي قبولها، هما المحوران الأساسيان لوظيفة الأنبياء. في ما يتعلق بتمسك الأنبياء بالجهاد في سياق أداء مهامهم، هناك مجموعتان من الآيات؛ مجموعة تدعو الي القتال والجهاد الإبتدائي، ومجموعة اخري توصي بعدم الإكراه وقبول الدين من قبل الآخر. وقد قَدَّم المفسرون إجابات شتّى في سياق سعيهم لحل التعارض بين آيات الجهاد. يرمى هذا البحث الي طرح وصف، وتبيين، وتحليل ناقد لآراء مفسرين معاصرين؛ هما: سيد قطب والعلامة محمد حسين الطباطبائي في هذا المجال. النتيجة التي انتهي اليها هذا البحث هي أن سيد قطب يأخذ بنظرية مرحلية الآيات، في محاولة لحلّ هذا التهافت الظاهري، ويعتبر الجهاد نوعاً من الكفاح الثوري بهدف اسقاط النظم البشرية واقامة حكم الله في الأرض، وهذا ما جعله يعتقد بفكرة الجهاد الإبتدائي؛ في حين يذهب العلامة الطباطبائي الي الاعتقاد بعدم الإكراه في الدين، فيري أن آيات الجهاد من محكمات القرآن، وينطلق من هذه الرؤية لحلّ هذا التعارض.

الألفاظ المفتاحية: آيات الجهاد، الجهاد الدفاعي، الجهاد الإبتدائي، سيد قطب، العلامة الطباطبائي.

دراسة لتكرار معني الآيات في رأى المفسرين

محمد رضا حاجي اسماعيلي^٣ / هادي سليمي^٤

الخلاصة: يوصف القرآن بأنه كتاب فصاحة لا يُضاهي ولا نظير له في الصياغة الأدبية الرائعة والفذة. وعلي هذا الأساس فالقرآن يخلو من معاييب الكلام ومن مواطن الضعف والخلل مثل: «الحشو المتوسط والقبیح» وهو ما يُسمّي في البلاغة بالحشو المذموم. ومع هذا توجد في قسم من آيات القرآن الكريم وعباراته صياغات تبدو في النظرة الظاهرية - علي الرغم من التفاوت في الألفاظ - أنه تكرار غير مُجدد للأمور السابقة ويمثّل مصداقاً للحشو المذموم. هدف هذا البحث هو دراسة مثل هذه الموارد من التكرار في معاني آيات القرآن، مما يوهم بوجود كلمات اضافية في الجُمْل، وهي. يُحاول هذا البحث - علي أساس رأى المفسرين - تبيين المكانة الدلالية لهذه المجموعة من المكررات غير اللفظية الموهمة بالحشو المذموم في صياغة آيات القرآن، ويوضّح للقارئ أن لا حشو في آيات الوحي القرآني، وأن مقاطع الآيات الموهمة للحشو قد جاءت في موضعها المناسب، وأن ما جاء من تكرار في المعاني، له فوائد بلاغية مثل التوكيد، والتبيين، والتكثير، والمبالغة. وهذا يدخل في باب الصنائع الأدبية ويزيد من جاذبية الكلام.

الألفاظ المفتاحية: التفسير الأدبي، التكرار المعنوي، الحشو المذموم، بلاغة القرآن.

irannajafi17@yahoo.com

bahrame1918@gmail.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٥/١٨

m.hajis1@yahoo.com

hquran821@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠١/٢٧

١. خريج مرحلة الدكتوراه من جامعة اصفهان.

٢. استاذ مساعد في قسم المعارف الإسلامية في جامعة اصفهان.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٨/٣١

٣. استاذ مشارك في جامعة اصفهان.

٤. طالب دكتوراه، جامعة اصفهان (الكاتب المسؤول).

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٦/١٥

الأيام الأخيرة من التاريخ في الآية ٥٥ سورة النور في رأى المفسرين

رضا مهديان فر^١

الخلاصة: وعد الله سبحانه وتعالى المؤمنين في الآية ٥٥ من سورة النور، أن يستخلفهم في كل الأرض، ويمكن لهم الدين الذي يرضيه لهم، ويبدل خوفهم أمناً. وأن المؤمنين الذين يعملون الصالحات يبنون مجتمع التوحيد الخالي من الشرك. قال مفسرو الشيعة في تفسير الوعد المذكور بوجود رأيين في هذا المجال؛ أحدهما انحصار تحقق هذا الوعد بعصر الظهور ونهاية التاريخ، والآخر يتجسد في تحقيق هذا الوعد بمصاديق متعددة ابتداءً من عصر النزول الي عصر الظهور. يمكن تبديد الإختلاف الضئيل الذي يكتنف رأى مفسرى الشيعة في تعيين مصداق الآية، من خلال تسليط الضوء علي معني الإستخلاف، والتوصل الي رأى واحد وهو انحصار تحقيق الوعد في عصر الظهور. وعلي الرغم من تعدد آراء مفسرى أهل السنّة في هذا المجال، فقد أشار بعضهم تصريحاً وبعضهم الآخر تلويحاً الي تحقيق هذا الوعد في عصر الظهور. وانطلاقاً من ذلك وطبقاً لآراء مفسرى الفريقين، فإن هذه الآية تعد المؤمنين بمجتمعٍ خاصٍ في الأيام الأخيرة من التاريخ، يتحقق بظهور المهدي الموعود.

الألفاظ المفتاحية: آيات المهديوية، الآية ٥٥ من سورة النور، مستقبل البشرية، المجتمع المهدي.

تحليل لأبعاد امتحان بنى اسرائيل في زمان غيبة النبي موسى ﷺ من منظار القرآن

حميد نادري^٢

الخلاصة: سنّة الإبتلاء من السنن الإلهية الشاملة. وقد جرت هذه السنّة علي بنى اسرائيل في زمان غيبة النبي موسى. يتجلي لنا من خلال التحليل القرآني لهذا الموضوع أن قلة ايمان بنى اسرائيل، ووجود اشخاص مفسد بينهم، وتأثير ثقافة أهالي مصر فيهم، كانت تستدعي توفير أرضية عن طريق سنّة الإبتلاء، بالإضافة الي الفرز بين المؤمنين المخلصين وبين المنافقين والمفسدين، وإزالة الرواسب الثقافية لأهالي مصر من أذهان بنى اسرائيل. وقد وقع هذا الإبتلاء بتمديد ميقات النبي موسى من ثلاثين ليلة الي أربعين ليلة، وظهور عجل مصنوع من الذهب علي يد السامري. في خضمّ هذا الإبتلاء وقع بنو اسرائيل في الإنحراف وصاروا يعبدون العجل بسبب عوامل مثل التسرع، وعدم الالتفات الي ارشاد العقل، وضعف هارون واعتزاله عنهم. وهذا الإنحراف يسترعى الإهتمام من حيث طبيعته، وكميته، وزمان وقوعه. ومع كل ذلك فقد أدت إجراءات النبي موسى وتوبة بنى اسرائيل، الي حصول نتائج ايجابية من هذا الإبتلاء.

الألفاظ المفتاحية: سنّة الإبتلاء، بنو اسرائيل، امتحان بنى اسرائيل، غيبة النبي موسى ﷺ.

rezamahtab52@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/١١/١٠

hamid_nadery1@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٣/١٢/١٩

١. استاذ مساعد في جامعة علوم ومعارف القرآن الكريم.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٦/٠٣/٠٨

٢. استاذ مساعد في قسم المعارف الإسلامية في جامعة شهر كرد.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٣/٠٣/١٠

ماهية الإمامة في القرآن حسب رأي مفسري أهل السنة في ذيل آية الإبتلاء

خديجة حسين زاده^١ / حسن صادقي^٢

الخلاصة: مسألة الإمامة بشّتي توجهاتها لها في تاريخ الفكر الإسلامي مكانة متميزة. وقد خصص الباري تعالي آيات من القرآن الكريم لهذا الأمر المهم. وقد طرح مفسرو الفريقين في ذيل هذه الآيات آراء شّتي في مجال بيان حقيقة الإمامة. نظراً الي عدم تبيين رأي مفسري أهل السنة، يتكفل هذا البحث بدراسة رأيهم في هذا المجال؛ حيث يمكن من خلال دراسة آراء مفسري أهل السنة أن نفهم هل هم اکتفوا في تبيين ماهية الإمامة؟ أم أخذوا ببيان المعني اللغوي للاسوة والمقصود؟ أم اعتبروا المراد من الإمامة هو النبوة. النتيجة الكلية لهذا البحث هي أن جماعة من مفسري أهل السنة قالوا بعدم استقلال مقام الإمامة عن النبوة. ومثل هذا التفسير للآية لا يستند الي دليل، ولا يتطابق مع ظاهر الآية وهو متأثر بمبانيهم الكلامية في باب الإمامة.

الألفاظ المفتاحية: آية الإبتلاء، التفسير الكلامي، حقيقة الإمامة، الأسوة الحسنة.

دراسة لآيات غلبة الحقّ علي الباطل من منظار العلامة الطباطبائي

جواد سليمانی^٣

الخلاصة: من السنن الإلهية العامة التي تجرى علي امتداد التاريخ وعلي جميع المجتمعات، سنّة الصراع بين الحق والباطل. علي أساس آيات القرآن الكريم مثل: الآية ١٨ من سورة الأنبياء، والآية ٨١ من سورة الاسراء، والآية ١٧ من سورة الرعد، والآيتين ٤٨ و ٤٩ من سورة سبأ، فإن الحق والباطل في حالة صراع دائم، وسينتهي هذا الصراع بغلبة الحق علي الباطل. وقد طرح المفسرون آراءً حول طبيعة المجالات التي يتغلّب فيها الحقّ علي الباطل والهيمنة السياسية، والعسكرية، والإقتصادية في الحدّ لأهل الباطل في مختلف المجتمعات، طرحت آراء من قبل المفسرين؛ وقد انقسموا في تفسيرهم للآيات المذكورة الي طوائف وفرق؛ قسم منهم حاول من خلال تقييد معني الحق والباطل في الآيات ذات العلاقة بهذا الموضوع، حاول حصر نطاق غلبة الحقّ علي الباطل في مجالات معينة مثل: الحجّة، الإيمان، أو سلوك الحقّ والباطل، بينما يري العلامة الطباطبائي أن هذه الغلبة تجرى في جميع الميادين الظاهرية والباطنية للحياة الإجتماعية لبني الإنسان. نتقّصي في هذا البحث مفهوم ومجال غلبة الحقّ علي الباطل، ثم نتناول أخيراً تفاسير غلبة الحق من منظار تفسير الميزان.

الألفاظ المفتاحية: الآية ١٨ من سورة الأنبياء، الآية ٨١ من سورة الاسراء، الآية ١٧ من سورة الرعد، غلبة الحق علي الباطل، تفسير الميزان.

musavi6290@gmail.com

sadgeg114@gmail.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٥/١٨

soleimani@qabas.net

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٥/١٨

١. طالبة في المرحلة الرابعة، جامعه الزهراء عليها السلام. (الكاتبة المسؤولة).

٢. محاضر في جامعة الزهراء عليها السلام.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٨/٢٩

٣. استاذ مساعد في مؤسسة الإمام الخميني عليه السلام للتعليم والبحوث.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/١٠/٠٦